



حرف آخر

به قلم سردبیر



اژدها، دجال یارسانه

اول: جانور دو شاخ

«سپس جانور عجیبی دیگر دیدم که از داخل زمین بیرون آمد. این جانور دو شاخ داشت، مانند شاخ‌های بره و صدای وحشتناکش چون صدای اژدها بود. او تمام قدرت آن جانور اهریمنی اول را که از زخم کشنده خود خوب شده بود به کار می‌گرفت و از تمام دنیا می‌خواست که جانور اول را بپرستند. او پیش چشمان همه دست به معجزات باور نکردنی می‌زد و از فضا آتش به زمین می‌آورد. او در حضور جانور اول قدرت می‌یافت تا این کارهای عجیب را انجام داده، مردم دنیا را فریب دهد و ایشان را وادار سازد مجسمه بزرگی از جانور اول بسازند. همان جانوری که از زخم شمشیر جان سالم بدر برده بود. حتی او توانست به آن مجسمه جان ببخشد تا بتواند سخن بگوید و همه کسانی که او را نمی‌پرستند به مرگ محکوم کند. از این گذشته، بزرگ و کوچک، فقیر و غنی، برده و آزاد را وادار کرد تا علامت مخصوص را بر روی دست راست یا پیشانی خود بگذارند و هیچ کس نمی‌توانست شغلی به دست آورد تا چیزی بخرد مگر این که علامت مخصوص این جانور یعنی اسم یا عدد او را بر خود داشته باشد. این خود معمایی است و هر که باهوش باشد می‌تواند عدد جانور را محاسبه کند. این عدد اسم یک انسان است و مقدار عددی حروف اسم او به ۶۶۶ می‌رسد.»

[مکاشفات یوحنا - فصل ۱۳ بخش دوم]

این صحنه‌ها و حادثه‌های پیشگویی شده در ۱۷ قرن پیش توسط یوحنا مقدس در نامه‌ای به کشیشان ۷ کلیسای مطرح آن زمان نگاشته شده است. صحنه‌هایی که در ۲۲ فصل حوادث آینده زمین را در پیش روی می‌نهد. اگر چه بخش‌هایی از این سطور، افسانه‌ایی و خیالی می‌نماید اما آنچه از پس واژه‌های خیال انگیز و اساطیری آن رخ می‌نماید، تطبیق‌ها و شباهت‌های فراوان و گوناگونی است با پدیده‌ها و فن‌آوری‌های دیجیتال و انفورماتیکی زمان مدرن ما. اژدهای پیشین و جانور جدید و عدد شیطان و سیطره گفتمان آن بر همه کره ارض و تخطی نکردن جوامع از آن جز بندگان صالح خدا که در فصول پسین آن می‌آید نکاتی است که به خوبی پس از شکست قدرت آهنین نازیسم و سیطره بلامنازع کاپیتالیسم در عرصه عالم با تسلط و سیطره جهانی رسانه در قالب تلویزیون و رادیو و ماهواره رایانه در همه هستی تطبیق و همسانی شگفت‌انگیزی یافته است. به راستی این کشف و شهود یوحنا مقدس آغازگر فصل‌های آینده خونین و پر نزاع آخر الزمانی خیر



و شرّ بشریت خواهد بود؟ گذر زمان پاسخ این پرسش را خواهد داد.

دوم: بمباران نرم

در کل جهان ۲۰۳ ماهواره تلویزیونی فعال در ۱۵۹ مدار قرار گرفته‌اند که تنها در ایران امکان دیدن ۱۷۶۶۱ شبکه تلویزیونی و شنیدن ۱۳۰۹ شبکه رادیویی را فراهم می‌آورند. این حجم جدای از ۳۵ میلیون سایت فعال اینترنتی، به روزترین بازی‌های کامپیوتری، رشد میلیونی استفاده از تلفن همراه، اس ام اس و بلوتوث، انتشار هزاران عنوان رمان، مجله و ژورنال در گرایش‌ها و قالب‌های متنوع و جذاب و صدها فعالیت تأثیرگذار رسانه‌ای دنیا در داخل کشورمان به شمار می‌رود که شبانه روز سرزمین بکر حاصل خیز فکر و ذهن جوانان را آماج بمباران نرم خود قرار می‌دهد. بمبارانی از فرکانس‌ها و امواجی که همه روزه عوارض و تبعات آن را در گوشه و کنار شهرها با دو چشم می‌توان به نظاره نشست. بمبارانی با نشانه‌گیری هویت و اصالت جوانان و گرفتن تلفات از مؤثرترین نیروهای پرتحرک، فعال و پویای انقلاب. شنیدن این نکته تأسف انگیز است اما شنیدنی که رژیم اسرائیل تنها با داشتن ۲۲ صدم جمعیت دنیا دارنده ۲۱۴ شبکه فعال شبانه روزی است. می‌توان این رقم را با شبکه‌های رسانه‌ای رسمی کشورمان مقایسه نمود تا به اوج کم کاری‌ها و عقب ماندگی‌ها در این عرصه پی برد. در این جنگ بی‌امان رسانه‌ای و بمباران امواج بی‌نشان، ما در کجا قرار گرفته‌ایم؟

سوم: گیوتین پنبه‌ای و رنگین

به فصول و سطور تاریخ ۲۰۰ سال پیش تاکنون که می‌نگرید از مطبوعات تا سپهر اطلاعاتی نوین، رسانه‌ها را در کنار سلاطین عالم همچون «قمر وزیر» داستان امیر ارسلان ایستاده می‌بینید؛ فرمان بردار و خط دهنده. با تلاش ژورنالیسم و رسانه‌های مکتوب، جنگ‌های انفصال آمریکا در قرن ۱۹، به نام کتاب مقدس و نفی برده‌داری سیاهان تبلیغ می‌شد و حال آن‌که منافع انگلوساکسون‌ها در تجارت پنبه و کشاندن سیاهان از مزارع جنوب به کارخانه‌های شمال حقیقت ماجرا بود. واقعیتی دورو که در رنگارنگی و فریبایی صفحات روزنامه‌های آمریکایی و زیر شعار فریبنده آبرهام لینکلن خود را می‌پوشاند. این دو رویی و اعدام آرام افکار و اندیشه‌ها با گیوتین پنبه‌ای و رنگین رسانه‌ها، در همه ادوار ادامه یافت. جنگ اول جهانی و اشغال خاک ملل محروم، افکندن بمب هسته‌ای بر سرزمین آفتاب سامورایی‌ها، مکیدن سرمایه‌های ملل عالم و بزرگ‌نمایی خطر کمونیسم و فاشیسم و نازیسم، به آتش کشیدن مزارع و کودکان و دختران ویتنامی با بمب‌های ناپالم، گذاشتن مهره‌های دیکتاتوری در قاره سیاه، اشغال کامل عراق و افغانستان و چپاول منابع عظیم نفت و گاز، به برده کشیدن اعراب و غارت نفت، جنگ دروغین و هزار لایه خلیج فارس در دو مرحله توسط بوش پدر و پسر، همه گوشه‌هایی آشکار شده از هزاران خدعه و فریبی است که دنیای مدعی صداقت و آزادی در پس رسانه‌های خود، آن را مرتکب می‌شود. المپیک ۲۰۰۸ پکن وزیبابی جلوه‌های ویژه و تروکازهای مدرن و رایانه‌ای چشم بادامی‌ها و انعکاس آن توسط ماهواره‌ها تا آنجا فریبا هست که غرش بمب افکن‌های سوخو ۳۷ روسی را بر آسمان اوستیای جنوبی پنهان کند. چشم‌ها به سوی دیگری خیره‌اند. رسانه‌ها پکن را نقطه طلایی تابلوی حوادث ساخته‌اند. نقطه‌های کور جایی در رسانه‌ها ندارند. دماکوژیسم و عوام‌فریبی سیاسی خصلت ذاتی همه رسانه‌هاست و این همان خصلت و سنجیه‌ای است که رسانه را «قمر وزیر» سلاطین زمانه کرده است. قمر وزیری که جز اعدام اندیشه و افکار بشر کاری ندارد، آن هم اعدامی بدون خونریزی و با پنبه‌های نرم و رنگین.

چهارم: محراب شیشه‌ای یا منبر

در این سپهر فولادین رسانه‌ای و آماج فرکانس‌ها، رسانه‌هایی که سخن از حقیقت و عقل می‌رانند به سان منبرهایی نورانی‌اند که کلام خدا را در برابر تغییر گوساله طلایی طنین انداز می‌کنند. از همین روست که دنیای مدعی اطلاعات آزاد تاب شنیدن و دیدن شبکه‌های به کوچکی المنار را نیز ندارد. این نشان از آن دارد که قدرت تأثیر و آسیب‌پذیری دنیای جدید از شنیدن کلام حق تا آن جاست که کوچک‌ترین صداها نیز می‌توانند سونامی خطر آفرینی برای قدرت‌ها به شمار بیایند؛ منبری برای انعکاس نور حق. در دنیایی که بر قوانین مادی بنا شده فرکانس‌های شبکه کوچکی چون المنار می‌تواند تأثیری توفانی در دنیای سیاست نوین داشته باشد. همچون بال زدن پروانه‌ای در کالیفرنیا که با انرژی آزاد شده از بال زدندش توفانی مهیب را در جزایر اندونزی ایجاد می‌کند...

دجلان زمان که استر و مرکب خود را با گوهر و آهنگ و نوا و رنگ، فریبنده و زیبا ساخته‌اند به خوبی می‌دانسته‌اند که بریابی منبر حق تا چه اندازه می‌تواند تأثیر خود را در میان توده‌ها بگذارد و از همین روست که منبر و کلام حق، این شمشیر دو دم را، بزرگ‌ترین خطر در برابر منبر شیطان یعنی رسانه‌های نوین در خدمت قدر قدرت‌ها می‌دانند. این مهم کار رسانه‌های امت اسلام را دو چندان می‌سازد تا به جای سکر و غفلت و تفتن، انسان را به حقیقت و معنویت و تأمل بخوانند. زبینه نیست تا در ماه خدا و شهر اتصال انسان به آسمان رسانه‌های تصویری، براساس نگاه‌اهل کتاب و به ویژه مبانی هالیوود و غرب، سازه‌ها و مجموعه‌های خود را در لحظه‌هایی که همه را باید به معنویت بخواند، به تفتن و تفریح و قهقهه دعوت نماید. رسانه‌ها بهترین راهنمایان جامعه‌اند. افسون‌گرایی و دین‌گرایی مرزی نزدیک به هم دارند که تمیز و تبیین آن از عهده فرهیختگان متعهد عرصه هنر برخوردار آمد. اگر چه به دور از انصاف است که جهاد و تلاش اصحاب رسانه را در انعکاس حقیقت در این سیاه بازار پر آشوب و فتنه دنیا نادیده گرفت.



پنجم: کلمه خدای آید

«کسانی که آن جانور و مجسمه‌اش را بپرستند و علامت مخصوص او را بر پیشانی یا دست خود بگذارند، جام غضب و مکافات خدا را که در آن

هیچ تخفیفی و استثنایی نیست، خواهند نوشید و در حضور فرشتگان مقدس و او در شعله‌های آتش عذاب خواهند کشید. دود آتشی که ایشان را عذاب می‌دهد تا ابد بالا می‌رود به طوری که شب و روز آسایش نخواهند داشت زیرا آن جانور و مجسمه‌اش را پرستیدند و علامت اسم او را بر بدن خود گذاشتند»

[مکاشفات یوحنا - فصل ۱۴ بند ۴]

تمدن جدید توسعه‌ای همه جانبه را برای تمتع بشر از همه لذت‌های عالم فراهم آورده است. توسعه‌ای با غفلت فرزندان آدم در زیر سپهر اطلاعاتی و مشغول کردن آنان به لذت‌های هلدونیستی. لذت‌هایی خلصه‌آور و سکرآفرین که پیش از آن‌که عقل را به کمال رساند غرایز او را به انتها رسانده است. وحشت از نگاه‌های هرزه‌ای که چشم شیشه‌ای و جادویی و افسونگر رسانه‌ها در همه خانه‌ها آفریده است آن‌چنان اضطراب و ناامیدی عذاب‌آور را به صفحات زندگی مدرن پیوست نموده که هر آن ترس و واهمه گرفتار آمدن در یکی از گرداب‌های پنهان شیطان آدمی را به انجامی کشاند که مرگ را بر حیات ترجیح دهد. این همان عذاب و سیاهی و آتشی است که از پذیرش همه قواعد انسان غربی، مدرنیته و دنیای غروب یافته در کرانه حق به دست آمده است. زندگی مقلد گونه‌ای همچون میمون‌های برهنه و همان قرده‌خاسته‌ای که قرآن آن را گوش‌سزد نموده است. در این زمانه قبیله‌ای شدن فرهنگ‌های مدرن و ژنوساید و نسل‌کشی اندیشه‌ها، تنها آرزو و امیدی که برای بشر مانده است، کلمه خداست که حضور و ظهور آن را همه ادیان وعده داده‌اند: «... دیدم که آسمان گشوده شد. در آنجا آسیبی سفید بود که سوارش «امین و حق» نام داشت. زیرا به حق و عدل مبارزه و مجازات می‌کند. برقی زیبا در چشمان او می‌درخشید و بر سرش تاج‌های فراوانی قرار داشت... او جامه خون آلودی در بر داشت و لقبش «کلمه خدا» بود. لشکرهای آسمانی که لباس‌های کتان سفید و پاک بر تن داشتند سوار بر اسب‌های سفید به دنبال او آمدند. زبان او چون شمشیر تیز و برنده‌ای بود که با آن قوم‌های بی‌ایمان را سرکوب کند. او با عصای آهنین بر آنان حکمرانی خواهد نمود»

[مکاشفات یوحنا - فصل ۱۹ - بند ۲]

جوابیه مجتبی مصباح در مورد وهابیت

بسم الله الرحمن الرحيم

در پی انتشار نشریه شماره ۶ ویژه «عارف‌نمایان» و شماره ۷ ویژه «موانع انسجام اسلامی» دو اعتراضیه به دفتر نشریه رسید؛ یکی، شفاهی و حضوری از سوی برخی از اعضای انجمن حجتیه در اعتراض به بخشی از مقاله «انجمنی برای تطهیر شیطان» در شماره ۶، و دوم، اعتراضی کتبی از نویسندگانی مجهول الهویه به بخشی از مقاله «پروژه موعودسازی» در شماره ۷.

انجمنی‌ها مدعی بودند که «ما نیز با آنکه عضو انجمن بوده‌ایم، چون شما، انتظار را به معنای منفی آن نمی‌دانیم و معتقد نیستیم که باید دست روی دست گذاشت تا ظلم و فساد در جهان فراگیر شود و امام زمان - ارواحنا فداء - برای رفع آن ظهور نمایند، بلکه گمان نداریم هیچ شیعه‌ای چنین اعتقادی داشته باشد؛ مانیز به ولایت فقیه معتقدیم، در انقلاب اسلامی ایران و نیز در جبهه‌های نبرد در زمان جنگ تحمیلی شرکت جستیم و اکنون نیز تابع اوامر ولی فقیه هستیم، و بنابراین، آنچه درباره انجمن در مقاله مزبور آمده است، اتهاماتی بی‌اساس است.»

روشن است که انتساب افکار و عقاید انحرافی به «انجمن حجتیه» در مقاله مزبور بر اساس منابعی است که در مقاله ذکر شده‌اند. به اعتقاد ما نفوذ این افکار در انجمن به گونه‌ای بوده که سرانجام امام خمینی (ره) ادامه کار انجمن را به مصلحت ندیدند و دستور انحلال آن را صادر فرمودند و بنابراین، هرکس در ادعای پیروی از ولایت فقیه، صادق است باید به فرمان ایشان گردن نهد. البته -چنانکه در مقاله مورد اعتراض ایشان نیز به صراحت آمده است - با شروع نهضت امام خمینی (ره)، انجمنی‌ها به چند گروه تقسیم شدند و در این میان، برخی از آنها به نهضت پیوستند و از افکار انحرافی تبری جستند. بنابراین، آنچه در مقاله مزبور در نقد «انجمن» آمده است مربوط به آرا و افکار انحرافی همان دسته از انجمنی‌هاست که راه خود را از انقلاب جدا کردند. نشریه فرهنگ پویا با اعلام آنکه دشمنی شخصی با هیچیک از اعضای انجمن ندارد، امیدوار است روزی همه اعضای سابق این انجمن از آرای انحرافی منسوب به آن تبری جویند و به صف وفاداران به اسلام ناب محمدی (ص) بپیوندند و با پیروی کامل از ولایت فقیه، از منتظران واقعی مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - باشند.

معترض دوم نیز انتساب برخی آرای غلوآمیز به شیخ احمد احسائی را انکار کرده است. باید دانست که اولاً این انتساب بر اساس منابعی است که در مقاله بدان‌ها ارجاع داده شده و راه برای تحقیق درباره صحت و سقم آنها بر همه خوانندگان محترم باز است، و ثانیاً چنانچه به ادعای جناب معترض، عقاید فرقه شیخیه بر عقاید شیعه منطبق بود، وجهی برای تأسیس فرقه‌ای خاص باقی نمی‌ماند؛ اما چنانچه این فرقه در برخی آرا با شیعه اختلاف نظر داشته و دارند، این فرقه را در همین آرا باطل و منحرف می‌دانیم، نه در عقاید مشترک با مذهب حقه شیعه اثنی عشریه.

سرانجام، دست اندرکاران نشریه پویا، تبری جستن هر دو گروه معترض، از آرا و عقاید انحرافی را به فال نیک می‌گیرند و با این حال، معتقدند که اعمال افراد و گروه‌ها باید گواه مدعایشان باشند و مراجع رسیدگی به فعالیت گروه‌ها باید مراقب باشند تا فرقه‌ها و گروه‌های منحرف صرفاً با اظهار برخی عقاید حق، و تبری جستن از برخی عقاید انحرافی، در پی دسیسه‌چینی و فعالیت‌های انحرافی مخفی نباشند و این اظهارات برای یافتن جایگاهی امن و ادامه فعالیت‌های باطلشان نباشد. و السلام علی من اتبع الهدی